

خرید کتاب های کنکور

با تخفیف ویژه

و

ارسال رایگان

Medabook.com

+



مدابوک



یک جله تماس تلفنی رایگان

با مشاوران رتبه برتر

برای انتخاب بهترین منابع

دبیرستان و کنکور

۰۲۱ ۲۸۴۲۵۲۱۰



۲۲۵۳ آیه «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»، بیان می‌دارد که نماز (انجام واجبات) باعث ترک اعمال زشت و ناپسند (دوری از گناهان) است و این انجام واجبات و ترک گناهان از راه‌های افزایش اخلاص است که امام علی (ع) در این باره می‌فرمایند: «تمام اخلاص در دوری از گناهان جمع شده است.»

۲۲۵۴ استمداد به معنای کمک خواستن از خداوند، از راه‌های افزایش اخلاص است که سبب افزایش محبت به خدا در دل و زدودن غفلت از خدا می‌شود و عبارت «وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ: وَ قَطْعًا يَدُ خُودِ بِالْأَتْرِ (بازرزش تر) است»، نیز به یاد خدا و زدودن غفلت از او از دل توسط نماز اشاره دارد.

اشتباهات متداول

عبارت «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» به ثمره دیگر نماز یعنی دوری از گناهان، اشاره دارد.

۲۲۵۵ علت آن که خدا دوستی با کفار را نپسند، می‌کند، کفر آن‌ها به دین بر حق مؤمنان است. «وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ»

همچنین علت سفارش خدا مبنی بر عدم پیروی از شیطان، دشمنی آشکار او با انسان‌ها است. «إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ»

درس پنجم پایه دوازدهم

۲۲۵۶ کاری که انسان در طول زندگی انجام می‌دهد، از اختیار او سرچشمه می‌گیرد و اختیار وی نیز در طول اراده الهی قرار می‌گیرد. بنابراین این سخن که «کار انسان، هم به اختیار او وابسته است و هم به اراده خداوند» سخن صحیحی است. در ضمن اختیاری که به انسان داده شده یک تقدیر الهی است.

۲۲۵۷ اختیار یک سرمایه و ویژگی ذاتی اعطا شده از طرف خداوند به انسان است که بر مبنای آن هر فردی می‌تواند در طول زندگی‌اش کارهایش را با خواست و اراده خود انجام دهد. این ویژگی (اختیار) یک تقدیر الهی به حساب می‌آید که بر اساس آن انسان می‌تواند در محدوده مشخص شده از طرف خداوند (نه در تمامی امور زندگی) از آن استفاده نماید. در ضمن باید به این نکته توجه داشت که قدرت اختیار، تحت اختیار انسان قرار ندارد. بدین معنا که هیچ‌کس نمی‌تواند آن را انتخاب نکند و یا از آن فرار کند. [نادرستی گزینه‌های ۲ و ۳]

اشتباهات متداول

این‌که کسی بخواهد از قدرت اختیار که ویژگی ذاتی اوست فرار کند امکان‌پذیر نیست زیرا اختیار یک تقدیر الهی است و نمی‌توان از تقدیر الهی فرار نمود. پس این سخن که اختیار انسان تحت اختیار اوست کاملاً نادرست است.

۲۲۵۸ با توجه به آیه شریفه «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلْتَنصِبْهُ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا: به راستی که دلایل روشن از جانب پروردگارتان به سوی شما آمده پس هر کس بینا گشت، به سود خود او و هر کس کور دل گردد، به زیان خود اوست» می‌توان دریافت که خداوند انسان را صاحب اختیار آفریده تا خود مسیر سعادت یا شقاوت را انتخاب کند. بنابراین می‌توان گفت مشیت الهی (اراده و خواست خداوند) زمینه‌ساز شکوفایی اختیار انسان است.

۲۲۴۷ اگر انسان در اخلاص پیش رود، به مرحله‌ای می‌رسد که در مقابل وسوسه‌های شیطان نفوذناپذیر می‌شود چرا که شیطان خود اقرار کرده توانایی فریب دادن مؤمنان با اخلاص را ندارد، حافظ شیرازی در این باره می‌گوید: «برو این دام بر مرغی دگر نه / که عنقا را بلند است آشیانه». همچنین در بیت «آفرینش همه تنبیه خداوند دل است / دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار» به ضرورت افزایش معرفت به خداوند به عنوان یکی از راه‌های تقویت اخلاص اشاره شده است.

۲۲۴۸ راه‌های تقویت اخلاص عبارتند از: **۱** افزایش معرفت و شناخت نسبت به خداوند، **۲** راز و نیاز با خداوند و کمک خواستن از او و **۳** دوری از گناهان و تلاش برای انجام واجبات. حال به بررسی هر یک از احادیث می‌پردازیم:

الف) این حدیث پیرامون مقایسه حسن فاعلی و حسن فعلی یک عمل مطرح شده و ارتباطی به راه‌های تقویت اخلاص ندارد.

ب) این حدیث بیانگر جایگاه ارزشمند نیت و حسن فاعلی یک عمل است و ارتباطی به راه‌های تقویت اخلاص ندارد.

ج) این حدیث بیانگر راز و نیاز پیامبر اکرم (ص) با خداوند است که در آن از خداوند کمک می‌خواهد تا حتی یک لحظه او را به حال خود وامگذارد. پس این سخن پیامبر (ص) بیانگر راز و نیاز با خداوند و کمک خواستن از او که یکی از راه‌های تقویت اخلاص است، می‌باشد.

د) در این سخن پیامبر اکرم (ص)، به اهمیت تفکر و معرفت و شناخت به خداوند می‌پردازد و آن را برترین عبادت معرفی می‌نماید. یکی از راه‌های تقویت اخلاص افزایش معرفت و شناخت نسبت به خداوند است که بیان این سخن از سوی پیامبر (ص) نیز در همین راستا قرار می‌گیرد.

۲۲۴۹ زبان آشکار اثری است که در اثر پرستش سطحی و ظاهری خداوند حاصل می‌شود و آیه شریفه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ...» به این موضوع اشاره دارد.

مطابق قرآن کریم دشمن آشکار انسان، شیطان است که در آیه «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» به آن اشاره شده است.

۲۲۵۰ آیه «بگو نماز و عبادت‌هایم، زندگی و مرگم فقط برای خداست که پروردگار جهانیان است.» بیان می‌دارد که انسان‌های مخلص هدف زندگی و هدف عبادات خود از جمله نماز را «رضایت خدا» می‌دانند و نیز آیه «أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» یکی از ثمرات بر پا داشتن نماز را دوری از گناه و فحشاء می‌داند. بنابراین می‌توان گفت دوری از گناه و فحشاء معلول برپاداشتن نماز است.

۲۲۵۱ ابیات مطرح شده در گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) به تجلی خداوند در عالم خلقت و افزایش معرفت به او از طریق تفکر در آفرینش اشاره دارد و بیت گزینه (۱) به مراقبت از دل در برابر نفوذ شرک اشاره می‌کند.

۲۲۵۲ آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»، به معرفی مسیر درست زندگی می‌پردازد «صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» و نیز انسان وقتی با حرکت در مسیر اخلاص، به درجاتی از حکمت که علم محکم و استوار است، برسد؛ هدف و راه رسیدن به آن که همان راه درست زندگی است را تشخیص خواهد داد.

۲۲۶۶) مطابق فرمایش امام علی (ع) می‌توان با پناه بردن از یک قضای الهی (فرو ریختن دیوار سست) به قَدَر الهی، از قضای مذکور گریخت. این موضوع، بیانگر اصل اختیار در وجود انسان است که از آیه شریفه «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» مستفاد می‌گردد.

۲۲۶۷) هرگاه درباره «ویژگی»های یک پدیده صحبت می‌کنیم، سخن ما به تقدیر الهی بازمی‌گردد و می‌دانیم، تقدیر الهی، نظام قانونمند حاکم بر جهان هستی است و هیچ پدیده‌ای امکان خروج از این نظام را ندارد.

۲۲۶۸) پیام قابل برداشت از آیه شریفه «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»، وجود قوه اختیار انسان‌هاست. به موجب داشتن قوه اختیار، انسان می‌تواند در چارچوب قوانین حاکم بر هستی، میان راه‌ها و موارد مختلف دست به انتخاب بزند.

۲۲۶۹) فروریختن دیوار کج یک قضای الهی است. که متناسب با تقدیر خاص آن دیوار، یعنی کجی آن است و حضرت علی (ع) در پاسخ به پرسش یکی از اصحاب خود فرمودند: «از قضای الهی به قَدَر الهی پناه می‌برم.»

۲۲۷۰) عدم خروج موجودات از قانونمندی خود، بیانگر اصل قَدَر الهی است. توجه کنید که قَدَر الهی برخاسته از «علم الهی» و قضای الهی برخاسته از «اراده و خواست الهی» است.

۲۲۷۱) اراده و عمل ما، همه وابسته به اراده خداوند و در طول اراده اوست.

۲۲۷۲) تعیین نقشه جهان، مربوط به تقدیر الهی است که برخاسته از علم الهی می‌باشد. همچنین تحقق این نقشه، بیانگر قضای الهی است که از اراده الهی نشأت می‌گیرد.

۲۲۷۳) اختیار، یک حقیقت وجدانی است و هر کس آن را در خود می‌یابد و در عمل از قدرت اختیار خود بهره می‌برد. در واقع اختیار انسان امری نیست که برای اثبات وجود آن نیازی به استدلال داشته باشیم.

۲۲۷۴) وجود اختیار و اراده در انسان به علت اراده الهی و خواست اوست. خداوند اراده کرده است که انسان موجودی مختار و دارای اراده باشد. در فعل اختیاری، تا زمانی که انسان به انجام فعلی اراده نکند، آن فعل انجام نمی‌گیرد. اما در عین حال، وجود ما، اراده ما و عملی که از ما سر می‌زند، همگی وابسته به اراده خداوند است. یعنی اراده انسان در طول اراده خداست و با آن منافات ندارد. بنابراین، اراده انسان مؤخر از اراده خداوند است.

۲۲۷۵) اختیار یک حقیقت وجدانی است، هر انسانی اختیار را در خود می‌یابد و می‌بیند که شبانه‌روز در حال تصمیم گرفتن است. از جمله این شواهد مشهود، این است که ما خود را مسئول کارهایمان می‌دانیم. مولانا در این باره می‌گوید: «هیچ گویی سنگ را فردا بیا / ورنه نیایی من دهم بد را سزا».

۲۲۷۶) این‌که بعد از هر عملی احساس خرسندی و رضایت یا پشیمانی و شرمندگی داریم و نیز این‌که پیش از انجام کاری در آن امر، فکر کرده، جوانب آن را سبک و سنگین کرده و تصمیم می‌گیریم، نشانه‌های وجود اختیارند.

۲۲۵۹) خداوند متعال تقدیر نموده که انسان صاحب قدرت اختیار باشد تا بتواند کارهای خود را مطابق اختیارش انجام دهد. اما باید توجه شود که اختیار انسان نامحدود نیست و خداوند علاوه بر اختیار انسان تقدیرات دیگری هم در جهان آفرینش دارد. بنابراین می‌توان گفت تقدیرات هم لازمه کار اختیاری انسان و هم جهت‌دهنده و محدودکننده آن است.

بررسی سایر گزینه‌ها

۲) اختیار انسان هم با قَدَر الهی و هم با قضای الهی سازگار است. در واقع نمی‌توان میان قَدَر الهی و قضای الهی تفاوت قائل شد. به عبارتی دیگر هر چیزی که با قَدَر الهی سازگار باشد، با قضای الهی هم سازگار است.

۳) اختیار انسان هم محدودیت دارد و نامحدود نیست. در واقع انسان تنها در چهارچوب قوانین جهان هستی (که تقدیرات دیگر این جهان‌اند) اختیار دارد. مشیت الهی زمینه‌ساز شکوفایی اختیار انسان است و نه مانع آن.

۳۲۲۶) امیر مؤمنان (ع) با رفتار و گفتار خود، نگرش صحیح از قضا و قَدَر الهی را نشان داد و به یارانانش آموخت که اعتقاد به قضا و قَدَر، نه تنها مانع تحرک و عمل انسان نیست؛ بلکه عامل و زمینه‌ساز آن است.

بررسی سایر گزینه‌ها

۴) فرو ریختن دیوار کج یک قضای الهی است که این قضا متناسب با ویژگی و تقدیر خاص آن دیوار یعنی کجی آن است.

۱۲۲۶۱) ثمره اطاعت و زبان نافرمانی از رهنمودهای روشن الهی که به دست انسان رسیده، رسیدن سود و زیان به خود انسان است و این موضوع از آیه شریفه «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا» برداشت می‌شود. وجود اختیار در انسان، امری مشهود و انکارناپذیر است و آیه شریفه «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا» به این امر اشاره دارد.

۴۲۲۶۳) موجودات جهان از آن جهت که با حکم و فرمان و اراده الهی ایجاد می‌شوند، تسلیم قضای الهی هستند. آیه شریفه «ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيكُمْ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ» این [عقوبت]، به خاطر کردار پیشین شماست و خداوند هرگز به بندگان ستم نمی‌کند» به دو موضوع ۱) اختیار انسان و ۲) عادل بودن خداوند در ظلم نکردن به بندگان اشاره دارد.

۱۲۲۶۴) «جوشیدن آب در دمای مشخص»، یکی از ویژگی‌های آن را بیان می‌کند که بنابر تقدیر الهی در آن قرار گرفته است همچنین به طور مشابه، اختیار یک تقدیر الهی برای انسان است. از آنجایی که اراده و اختیار انسان وابسته به اراده الهی است پس اختیار انسان در طول اراده الهی قرار می‌گیرد.

۲۲۲۶۵) تقدیر، به معنای تعیین ویژگی‌ها و حدود پدیده‌ها است و قضا به معنی انجام‌دادن یک فعل و پیاده سازی تقدیر است.

هر دو عبارت «تأثیرگذاری پدیده‌ها در نظام تکوین» و «وساطت فرشتگان و کارگزاری آنان در محدوده تعیین شده از سوی خداوند» به قضای الهی اشاره دارند زیرا هر دوی آن‌ها حاکی از انجام یک فعل و قطعی بودن آن هستند.

همچنین در طول شبانه‌روز تصمیم‌هایی می‌گیریم و برای این تصمیم‌ها ابتدا اندیشه می‌کنیم و جوانب آن را با سبک و سنگین کردن می‌سنجیم. گاهی نیز دچار تردید می‌شویم که از میان چند راه و چند کار، کدام یک را انتخاب کنیم.

۲۲۸۷ روزی امیرمؤمنان علی (ع)، با جمعی از یاران خود در سایه دیواری نشسته بود. امام (ع) متوجه کجی و سستی دیوار شد، برای این که دیوار روی ایشان و یاران خراب نشود، از آن جا برخاست و زیر سایه دیواری دیگر نشست. یکی از یاران به آن حضرت گفت: «یا امیرالمؤمنین! آیا از قضای الهی می‌گریزی؟» و امام در پاسخ فرمود: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم». اگر انسان چنین بیندازد که مشخص بودن سرنوشتش بدین معناست که از خود هیچ اختیاری ندارد، غلط پنداشته است و این مطلب، ناشی از آن است که علم خود را با علم خدای متعال که شامل همه چیز (جزئیات، عوامل و ...) است مقایسه کرده است.

۲۲۸۹ بیت مورد اشاره در صورت سؤال، با موضوع «مسئولیت‌پذیری» به عنوان یکی از شواهد وجود اختیار در انسان مرتبط است. عهدها و پیمان‌ها براساس همین حقیقت استوار گشته‌اند. همچنین همان‌طور که می‌دانیم، اختیار یک حقیقت وجدانی است و هرکس آن را درون خود می‌یابد.

بررسی سایر گزینه‌ها

(۱) این عبارت مربوط به احساس رضایت به عنوان یکی از شواهد وجود اختیار است.

(۳) این عبارت نیز به توانایی تفکر و تصمیم که یکی از شواهد وجود اختیار است اشاره دارد، علاوه بر آن، اختیار حقیقتی وجدانی است و نه عقلی.

(۴) این عبارت به احساس پشیمانی که یکی از شواهد وجود اختیار است، اشاره می‌کند.

۲۲۹۰ اراده انسان از نفس او سرچشمه می‌گیرد. به همین علت می‌توان گفت اراده انسان در طول نفس او و نشأت گرفته از آن است.

۲۲۹۱ مطابق مثال کتاب درسی، در عمل نوشتن علل گوناگون به طور طولی با یکدیگر رابطه دارند. بنابراین اراده انسان، حرکت دست و نوشته شدن متن روی کاغذ، از جمله عوامل طولی هستند.

اشتباهات متداول

قدرت تفکر و اختیار دو سرمایه مجزای انسان‌اند و در عرض یکدیگر قرار دارند. هر کدام از ما خود را مسئول کارهای خود می‌دانیم و به همین جهت آثار و عواقب عمل خود را می‌پذیریم. این موضوع همان مسئولیت‌پذیری است که از بیت «هیچ عاقل مر کلوخی را زند؟ / هیچ با سنگ عتابی کس کند؟» قابل برداشت است.

همچنین بیت «گر نبودی اختیار این شرم چیست / وین دریغ و خجالت و آرم چیست» به احساس پشیمانی به عنوان یکی از شواهد اختیار اشاره دارد.

۲۲۷۷ اختیار که به معنای توانایی بر انجام یک کار یا ترک آن می‌باشد، حقیقتی وجدانی است و هر کسی آن را در خود می‌یابد. حتی کسی که اختیار را در سخن یا بحث انکار می‌کند، در عمل از آن بهره می‌برد و آن را اثبات می‌کند و به ناچار آن را می‌پذیرد.

۲۲۷۸ این پرسش در راه بازگشت از جنگ صفین خطاب به حضرت علی (ع) بیان شد و بیانگر «برداشت نادرست از قضا و قدر الهی» می‌باشد.

۲۲۷۹ در این آیه عقوبت و جزای کار انسان‌ها همان چیزی معرفی شده که آن‌ها در دنیا برای خود از پیش فرستاده‌اند. بنابراین جزا و پاداش کار هر کسی مطابق افعال اختیاری آن فرد محاسبه می‌شود و خداوند این عقوبت را برای برقراری عدل در نظر می‌گیرد.

۲۲۸۰ وقتی اراده خداوند بر این تعلق گرفته که انسان موجودی صاحب اختیار آفریده شود، مفهوم قضای الهی از آن برداشت می‌شود.

از تأثیرگذاری خداوند در امور طبیعت و خلقت نیز مفهوم قضای الهی برداشت می‌شود، زیرا این تأثیرگذاری خداوند به معنای پیاده‌سازی نقشه و برنامه است.

۲۲۸۱ در آیه شریفه صورت سؤال، خداوند می‌فرماید: «ما راه رستگاری را به او نشان داده‌ایم، خواه سپاسگزار باشد و خواه ناسپاس»، این بدین معنی است که فلسفه رسالت پیامبران، نشان دادن راه رستگاری به انسان است و هر شخص با قوه اختیار خود، انتخاب می‌کند که راه هدایت و شکرگزاری را پیش بگیرد یا ضلالت پیشه کرده و کفران ورزد.

۲۲۸۲ هر ۴ گزینه به مفهوم اختیار آدمی اشاره می‌کنند؛ اما مفهوم انتخاب میان دو یا چند چیز در گزینه‌های (۱) و (۳) و (۴) مطرح می‌شود، ولی گزینه (۲) به صورت مستقیم به مفهوم انتخاب اشاره نداشته و در واقع این گزینه به مسئولیت‌پذیری که یکی از شواهد وجود اختیار است اشاره دارد.

۲۲۸۳ پاسخ امام علی (ع)، در برابر این پرسش آن مرد این بود: «خداوند به شما سه اجر بزرگ عنایت فرموده، اجر رفتن به جنگ، زیرا با اراده خود رفتید؛ اجر حضور در جبهه، زیرا به اراده خویش در آن جا حضور داشتید؛ اجر بازگشت از نبرد، زیرا به اراده خود بازگشتید و در هیچ‌یک از مراحل مجبور نبودید.

۲۲۸۴ سبک و سنگین کردن جوانب یک کار ← تفکر و تصمیم
تردید در انجام امور ← تفکر و تصمیم

نظام پاداش و کیفر ← مسئولیت‌پذیری
۲۲۸۵ دقت کنید که علم خداوند منحصر به نتیجه پایانی امور نیست، بلکه شامل تمام عوامل و جزئیات است.

بررسی سایر گزینه‌ها

(۴) بر اساس متن کتاب درسی خواندیم: «همه وقایع و رخدادهای جهان، تحت یک برنامه سامان‌دهی شده و غایت‌مند انجام می‌گیرد، زیرا پروردگار این جهان حکیم است و حکمت خداوند بر پایه علم و قدرت اوست.»

۲۲۸۶ هر کدام از ما خودمان را مسئول کارهای خود می‌دانیم. به همین جهت آثار و عواقب عمل خود را می‌پذیریم و اگر به کسی زیان وارد کرده‌ایم، جبران می‌کنیم. عهدها و پیمان‌ها نیز بر همین استوار شده‌اند.

۳) ارسال رهنمودها برای انسان‌ها و هدایت آنان، از جمله مصادیق توحید در ربوبیت است و سود ایمان یا ضرر کفران آدمی به خود او می‌رسد، نه به خداوند. ۴) این آیه، از این نظر با بیت گزینۀ چهارم مرتبط است که هر دو به اختیار انسان و قدرت تصمیم‌گیری و انتخاب او اشاره دارند.

۳۲۳۰۳ این‌که «وجود ما، اراده ما و عملی که از ما سر می‌زند، همگی وابسته به اراده خداوند است»، سخن درستی است و بیانگر مفهوم طولی بودن رابطه اراده و اختیار انسان با اراده خداوند است. از آنجایی که اراده و اختیار انسان، یکی از تقدیرات الهی است، پیام سخن ما، تسلیم بودن در برابر تقدیر الهی است.

۱۲۳۰۴ علت وجود مسئولیت‌پذیری و دیگر نشانه‌های اختیار، وجود قوه اختیار است. بنابراین، مسئولیت‌پذیری معلول قوه اختیار است. از طرفی، آیه شریفه صورت سؤال، به قوه اختیار و توانایی تصمیم‌گیری و انتخاب میان دو یا چند چیز اشاره دارد که با بیت «این‌که فردا این کنم یا آن کنم / خود دلیل اختیار است ای صنم» ارتباط مفهومی دارد.

۴۲۳۰۵ پیام اصلی این آیه، قوه اختیار انسان و مختار بودن او در پذیرش هدایت الهی و یا نپذیرفتن آن است. بنابراین، گزینۀ (۴) که به قوه اختیار و توانایی گزینش اشاره دارد، صحیح است.

۲۲۳۰۶ هنگامی که از «حکم و فرمان الهی» صحبت می‌کنیم، در حال سخن گفتن از قضای الهی هستیم و هنگامی که از «ویژگی‌ها و محدودیت‌ها و اندازه‌ها» صحبت می‌کنیم، به تقدیر الهی اشاره کرده‌ایم. بنابراین «حکم و فرمان خداوند برای خلقت هر مخلوق» بیانگر قضای الهی و «نوع کارکرد اجزای موجود در بدن انسان» مصداق تقدیر خداوند است.

۱۲۳۰۷ فرو ریختن دیوار کج، یک قضای الهی است که به دنبال تقدیر آن یعنی کج بودنش، به انجام رسیده و امام علی (ع) در پاسخ به این سؤال اصحاب که آیا از قضای الهی می‌گریزند، فرمودند: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم».

۱۲۳۰۸ دیوار کج و دیوار مستحکم، دو تقدیر کاملاً متفاوت دارند و بنابراین قضای متناسب با آن دو نیز، به صورت مجزا به وقوع می‌پیوندند. پس باید توجه داشت که تقدیرات متفاوت، قضای متفاوت در پی دارند.

۳۲۳۰۹ عهدها و پیمان‌ها براساس مسئولیت‌پذیری انسان‌ها (از شواهد وجود اختیار) استوار شده‌اند؛ بنابراین، اگر کسی پیمان‌شکنی کند و مسئولیتش را انجام ندهد، خود را مستحق مجازات می‌داند؛ مولانا در این باره می‌گوید: «هیچ عاقل مر کلوخی را زند / هیچ با سنگی عتابی کس کند».

گاه نیز در عملی دچار اشتباه می‌شویم و به خود یا دیگری زیان می‌رسانیم، در این هنگام احساس پشیمانی (از شواهد وجود اختیار) می‌کنیم و با خود می‌گوییم کاش آن کار را انجام نداده بودم؛ مولانا در این مورد نیز می‌گوید: «آن پشیمانی که خوردی زان بدی / اختیار خویش گشتی مهتدی».

۴۲۳۱۰ اختیار ما علی‌رغم محدودیتی که دارد، مبنای تصمیم‌گیری‌های ما و تعیین‌کننده عاقبت و سرنوشت ما است؛ همان‌طور که آیه «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» می‌گوید، انسان با اختیار خود می‌تواند راه هدایت و شکران یا ضلالت و کفران را انتخاب کرده و سرنوشتش به دست خودش است.

۱۲۲۹۳ یکی از برداشت‌های نادرست از قضا و قدر الهی، این است که انسان آن را جبری و حتمی بداند (از آن جهت این مطلب نادرست است که اگر اعمال مردم این طور بود، پاداش و مجازات بیهوده و باطل می‌شد). عبارتی که به این برداشت نادرست اشاره دارد، عبارت «آیا رنج‌های ما در این سفر ...» می‌باشد.

۴۲۲۹۴ آن‌جا که یک عامل در عامل دیگر اثر می‌گذارد تا اثرش را به معلولی منتقل کند و آن‌جا که عوامل گوناگون به صورت یک مجموعه، همکاری دارند تا یک معلول محقق شود، به ترتیب علل طولی و علل عرضی محقق شده و مثال موافق با آن‌ها به ترتیب نگارش و رویش گل است.

۳۲۲۹۵ در علل عرضی، هر عامل به طور مستقیم نقشی بر عهده دارد که با نقش دیگری متفاوت است و همین‌طور هر عامل به تنهایی یا با نبود سایر عوامل، نمی‌تواند به نتیجه برسد؛ در عوامل طولی نیز از آن‌جایی که هر عامل معلول عامل قبلی و علت عامل بعدی خود است، اگر یکی از عوامل نباشد، زنجیره علت و معلولی عوامل پاره شده و کار به سرانجام نمی‌رسد.

۴۲۲۹۶ از آن‌جایی که وجود قوه اختیار در انسان، یکی از تقدیرات الهی است، هر کاری که از روی اختیار از انسان سر زند، داخل در تقدیر الهی است. و اختیار و اراده انسان در طول اراده خداوند قرار می‌گیرد.

۲۲۲۹۷ باید توجه داشت که اختیار امری روشن و واضح است و نیازی به استدلال ندارد؛ اما آدمی شواهدی بر وجود آن را در خود می‌یابد که عبارتند از: ۱) تفکر و تصمیم، ۲) احساس رضایت یا پشیمانی و ۳) مسئولیت‌پذیری.

۱۲۲۹۸ این‌که در به وجود آمدن یک پدیده، با تأثیرگذاری عوامل مقدم در عوامل مؤخر مواجه باشیم، با علل طولی سر و کار داریم که یکی از نمونه‌های آن، قوه اختیار انسان در بروز افعال اختیاری است که در طول اراده الهی قرار می‌گیرند. ۳۲۲۹۹ «همکاری» و «مشارکت» عوامل در به وجود آمدن یک پدیده، بیانگر علل عرضی در پیدایش آن هستند. یکی از مثال‌های چنین رابطه‌ای، رابطه خاک، آب و نور ... با رویش گیاه است. همچنین، می‌دانیم که رابطه اراده انسان با قوانین حاکم بر جهان، رابطه‌ای طولی است.

۴۲۳۰۰ ابیات مذکور، برای مردود اعلام کردن تفکری که برای انسان اختیاری قائل نیست، در کتاب درسی آمده است. بنابراین، دو بیت موردنظر، به وجدانی بودن حقیقت اختیار و انکارناپذیر بودن آن اشاره دارند.

۳۲۳۰۱ تعیین حدود موجودات (تحدید) مصداقی از قدر الهی، حتمیت بخشیدن جلوه‌ای از قضا، اندازه گرفتن نمونه‌ای از قدر و پایان دادن بیانگر قضای الهی است.

۲۲۳۰۲ بررسی همه‌گزینه‌ها

۱) هر دوی این آیات، به اصل اختیار انسان و توانایی انتخاب و تصمیم‌گیری او اشاره دارد.

۲) دقت کنید که مطابق آیه صورت سؤال، رهنمودهای الهی برای تمام انسان‌ها ارسال شده است و نزول رهنمودهای الهی، ربطی به بهره‌گیری از اختیار یا عدم بهره‌گیری از آن ندارد.

۲۳۱۱ آن‌ها طویلی بوده و رابطه آب، خاک و نور در رشد درخت عرضی است.
پس رابطه آن‌ها عرضی است. آرد به علت اراده آسیابان پدید می‌آید پس رابطه بین آن‌ها طولی بوده و رابطه آب، خاک و نور در رشد درخت عرضی است.

۲۳۱۲ آیه شریفه «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ» آن‌گاه که مرگ یکی از آن‌ها فرا رسد می‌گوید: پروردگارا مرا بازگردان، باشد که عمل صالح انجام دهم.» که نشان از پشیمانی افراد گناهکار از اعمال خود دارد، بیانگر «احساس رضایت یا پشیمانی» به عنوان یکی از نشانه‌های وجود اختیار در انسان است. همچنین آیه «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» ما راه [رستگاری] را به او نشان دادیم، خواه سپاسگزار باشد و خواه ناسپاس» به تصمیم و انتخاب بین راه سعادت یا گمراهی اشاره دارد و مصداق «تفکر و تصمیم» است.

۲۳۱۳ این آیه در ادامه به معرفی علت نهی پیروی از شیطان می‌پردازد و می‌گوید: «إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» یعنی علت این نهی، دشمنی آشکار شیطان با انسان‌ها است.

از شواهد وجود اختیار، مسئولیت‌پذیری است که عهد و پیمان‌ها بر همین اساس استوار شده‌اند، خداوند نیز در این آیه عهدی فطری را به انسان یادآور می‌شود و او را به‌خاطر عهدشکنی، مورد بازخواست قرار می‌دهد. پس این آیه به مسئولیت‌پذیری، از شواهد وجود اختیار اشاره دارد.

۲۳۱۴ بدفهمی در درک مفهوم نظام قضا و قدر الهی باعث می‌شود تا فکر کنیم که حرکت و تغییر و تصمیم‌گیری بر اساس دستور عقل بی‌فایده است و هر اتفاقی را غیر قابل اجتناب و کاملاً جبری بدانیم و برای قدرت اختیار ارزشی قائل نباشیم؛ رفتار و گفتار امیرالمؤمنین (ع) در راستای آموزش دادن مفاهیم قدر و قضای الهی به یاران خود بود که در دسته مسئولیت‌های مربوط به مرجعیت دینی قرار می‌گیرد.

۲۳۱۵ آیات شریفه مطرح شده در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴)، همگی به این موضوع اشاره دارند که آدمی با اختیار خود سرنوشتش را برمی‌گزیند و عواقب آن به عهده خود اوست و در واقع خداوند با بیان این آیات حجت را بر آدمی تمام می‌کند، اما در آیه گزینه (۳)، موضوع مسئولیت در قبال سرنوشت آدمی مطرح نشده است و خداوند به یادآوری عهد فطری آدمی می‌پردازد.

درس ششم پایه دوازدهم

۲۳۱۶ امام علی (ع) در تبیین سنت املاء و استدراج می‌فرماید: «... و خداوند هیچ‌کس را همانند کسی که به او مهلت داده، امتحان و آزمایش نکرده است.» بنابراین امتحان و آزمایش شدن به وسیله مهلت و فرصت اعطاشده از طرف خداوند نتیجه قرارگیری زندگی انسان در دایره سنت املاء و استدراج است.
۲۳۱۷ سنت ابتلا عام‌ترین و فراگیرترین قانون خداوند است که ثابت و همیشگی است و هویت و شخصیت انسان‌ها با این ابتلائات ساخته می‌شود و شناخته می‌گردد. آیه شریفه‌ای که به این سنت الهی اشاره دارد «نَبَلَّوْكُمْ بِاللَّسْرِ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً» است.

۲۳۱۸ کسانی که راه باطل را در پیش گرفته و در راه در پیش گرفته خشنود و خرسند هستند و با حق عناد و دشمنی می‌ورزند در سنت املاء و استدراج الهی گرفتار شده‌اند که سنتی خاص و ویژه گمراهان و کافران است. آیه شریفه «وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ وَ أَمْلِي لَهُمْ إِنَّا كَيْدِي مَتِينٌ» به حاکم شدن سنت املاء و استدراج بر زندگی این افراد اشاره دارد.

۲۳۱۹ ثمره ایمان و تقوا برای مردم باز شدن درهای برکت آسمان و زمین است و در صورتی که مردم تکذیب کنند به کیفر آنچه مرتکب شدند، گرفتار می‌شوند. این موضوع در آیه شریفه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» به روشنی بیان شده است. عبارت شریفه «مَنْ يَعِيشْ بِالْإِحْسَانِ أَكْثَرَ مِمَّنْ يَعِيشُ بِالْأَعْمَارِ» به سنت تأثیر اعمال انسان در زندگی او اشاره دارد. برطبق این سخن امام صادق (ع) کسانی که به واسطه احسان و نیکوکاری عمر طولانی دارند از کسانی که به عمر اصلی زندگی می‌کنند، بیشتر هستند.

آیه شریفه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» نیز به سنت تأثیر اعمال انسان در زندگی او اشاره دارد و باز شدن درهای برکت آسمان و زمین را نتیجه ایمان و تقوای مردم بیان می‌کند.

۲۳۲۱ با توجه به آیه شریفه «وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ» حرکت گمراهان به سمت فساد و تباهی و حرکت به سوی عذاب الهی به صورت تدریجی و گام‌به‌گام رخ می‌دهد.

۲۳۲۲ سنت املاء و استدراج الهی، سنتی خاص است که تنها بر زندگی گناهکاران جاری می‌شود و آیه شریفه «وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ وَ أَمْلِي لَهُمْ إِنَّا كَيْدِي مَتِينٌ» به این سنت اشاره دارد.

۲۳۲۳ سنت امتحان و ابتلاء الهی، موجب جدا شدن انسان‌های خوب از بد و ساخته شدن و تکامل انسان‌های خوب یا خسران و عقب‌ماندگی انسان‌های بد می‌گردد. آیه شریفه «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ» به این سنت اشاره دارد.

۲۳۲۴ مطابق سنت «املاء الهی»، به آنان که راه باطل را برمی‌گزینند و با حق دشمنی می‌ورزند، مهلت زندگی داده می‌شود، ولی آنان این فرصت را وسیله غوطه‌ور شدن در تاریکی قرار می‌دهند.

۲۳۲۵ مطابق سنت «امداد الهی» که مفهوم قابل برداشت از آیه صورت سؤال است، خداوند امکانات و لوازم رسیدن به خواسته‌ها و هدف‌های هر دو گروه (نیکوکار و بدکار) را فراهم کرده است. یعنی: «کسی که راه حق را برمی‌گزیند، لوازم و امکانات رسیدن به حق را می‌یابد و مراتب کمال را می‌پیماید و کسی که فقط دنیا را انتخاب کرده و برای آن تلاش می‌کند همان را به دست می‌آورد.» امداد عام الهی ناشی از لطف الهی است «ثُمَّ ... مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ» این سنت، هم نیکوکاران و هم بدکاران را شامل می‌شود و سنتی عام است.

۲۳۲۶ شناخت قوانین حاکم بر زندگی انسان‌ها (سنت‌های الهی) سبب نگرش صحیح ما نسبت به تلخی‌ها و شیرینی‌ها، ۲ ممتاز ساختن دیدگاه ما نسبت به وقایع و حوادث جهان و ۳ تنظیم درست رابطه انسان با خود، دیگران، جهان و خداوند می‌شود.



پاسخ‌های تشریحی

۳ ۲۳۳۷ از آنجایی که عبارت صورت سؤال، به فراهم کردن امکانات و لوازم دستیابی به خواسته‌ها برای دو گروه ابرار (نیکوکاران) و اشرار (گناهکاران) اشاره کرده است، سنت موردنظر، یک سنت عام است. می‌دانیم که توفیق الهی یک سنت خاص و مربوط به نیکوکاران است؛ پس پاسخ سؤال، امداد الهی است که با آیه شریفه «كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَ هُوْلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا» مرتبط است.

۱ ۲۳۳۸ در حدیث مورد اشاره در صورت سؤال، به موضوع «سنگین‌تر شدن امتحان افراد مؤمن با افزایش درجهٔ ایمان آن‌ها» تأکید گشته است. هر کس ادعای ایمان کند، مورد آزمایش‌های ویژه و امتحانات خاص قرار می‌گیرد. آیه شریفه «أَحْسِبُ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ» نیز بر امتحان ویژه افرادی که ادعای ایمان می‌کنند اشاره دارد.

۳ ۲۳۳۹ آیه شریفه صورت سؤال، مربوط به سنت عام امداد الهی است که هم شامل حال نیکوکاران می‌گردد و هم شامل حال بدکاران. مطابق این سنت، روی آوردن دنیا و لذت‌های دنیایی به برخی انسان‌های گناهکار، نشانهٔ مورد لطف خدا قرار گرفتن آنان نیست.

اشباهات متداول

عبارت «هر کس با اراده و اختیار خود، راه باطل را برگزیند خداوند شرایطی برای او فراهم می‌کند که در مسیری که پیش گرفته به پیش رود» که در گزینه‌های (۱) و (۲) مطرح شده نیز می‌تواند بیانگر سنت مورد اشاره در آیه «كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَ هُوْلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا» باشد و تنها از قسمت دوم گزینه‌ها می‌توان به جواب سؤال رسید.

۲ ۲۳۴۰ این‌که هرکس، با اراده و اختیار خود، راه حق یا باطل را برگزیند، شرایطی برای او فراهم می‌شود تا در مسیری که در پیش گرفته، به پیش برود و سرشت خود را آشکار کند، مربوط به سنت امداد عام الهی است و با آیه شریفه گزینهٔ دوم ارتباط دارد.

۱ ۲۳۴۱ واژه توفیق به معنای آسان نمودن است و سنت توفیق الهی آن‌گونه است که همراه با سعی و تلاشی که انسان از خود نشان می‌دهد، خداوند نیز شرایط و اسباب را چنان فراهم می‌سازد که وی بتواند آسان‌تر به مقصد برسد. پیام برداشت شده از آیه شریفه «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» حاکمی از سنت توفیق الهی است که رسیدن برکت را ثمرهٔ ایمان و تقوا می‌داند.

۴ ۲۳۴۲ این‌که انسان با ادعای ایمان، وارد امتحانات خاص الهی شود، مربوط به سنت ابتلاء الهی است و با آیه شریفه «أَحْسِبُ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ» مرتبط است.

۱ ۲۳۴۳ هر دو آیه شریفه «وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» و «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ» به سنت توفیق الهی اشاره دارند.

۳ ۲۳۳۷ مطابق سنت امداد الهی، رحمت واسعة الهی، به همهٔ انسان‌ها، صرف‌نظر از بدکار یا نیکوکار بودن آن‌ها می‌رسد. این موضوع پیام آیه شریفه «كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَ هُوْلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ» است.

۴ ۲۳۳۸ در سنت امداد الهی می‌خوانیم: «روی آوردن دنیا و لذت‌های دنیایی به برخی انسان‌های گناهکار، نشانهٔ لطف خداوند به آنان نیست.» قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «کسانی که زندگی دنیا و تجملات آن را بخواهند، حاصل کارهایشان را در همین دنیا به آنان می‌دهیم و کم و کاستی نخواهند دید. اما اینان در آخرت جز آتش دوزخ ندارند و هر چه در دنیا کرده‌اند بر باد رفته و آن‌چه را که انجام می‌دهند باطل است.»

بنابراین، روی آوردن دنیا و لذت‌های دنیایی به برخی انسان‌های گناهکار، نشانهٔ محرومیت آنان از نعمت‌های بی‌پایان الهی است.

۴ ۲۳۳۹ روایت موردنظر در صورت سؤال، بر سنت تأثیر اعمال انسان در زندگی او اشاره دارد که مفهوم قابل‌برداشت از آیه شریفه «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» است.

۴ ۲۳۳۰ مطابق آیه شریفه «وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» وعدهٔ قطعی خداوند به کسانی که در راه او نهایت تلاش خود را به کار بندند، «لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» است و او همواره همراه «المُحْسِنِينَ» است.

۲ ۲۳۳۱ کمک‌های الهی و ایجاد شرایطی که فرد بتواند در راهی که انتخاب کرده، به پیش رود بیانگر سنت امداد عام الهی است که پیام قابل برداشت از آیه شریفه «كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَ هُوْلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ» است.

۱ ۲۳۳۲ مهلت دادن و افزودن بر امکانات گمراهان ← سنت املاء و استدراج جدا شدن انسان‌های خوب و بد ← سنت ابتلاء

۴ ۲۳۳۳ مطابق آیه شریفه «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ»، ایمان و گرایش مردم به تقوا، موجب گشایش برکات الهی از آسمان و زمین می‌شود.

۲ ۲۳۳۴ امداد خاص خداوند برای کسانی که با نیت پاک، قدم در راه حق گذاشته و سعادت جهان آخرت و رضایت پروردگار را هدف قرار می‌دهند، بیانگر سنت توفیق الهی است و آیه «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» اگر مردم شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه می‌کردند، همانا بر ایشان می‌گشودیم برکاتی از آسمان و زمین» به این سنت الهی اشاره دارد.

۳ ۲۳۳۵ آیه شریفه صورت سؤال، به سنت امداد خاص الهی یا به عبارت دیگر، توفیق الهی اشاره می‌کند که بنابر آن، در صورتی که فرد در راه خداوند تلاش کند، نصرت و هدایت الهی شامل حال او می‌گردد.

«وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا» (علت) ← «لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (معلول)

۱ ۲۳۳۶ آیه شریفه «كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءَ وَ هُوْلَاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا» کمک می‌کنیم هم به اینان [نیکوکاران] و هم به آنان [بدکاران] از عطای پروردگارت و عطای پروردگارت [از کسی] منع شده نیست» به سنت امداد الهی اشاره دارد که بنابر آن، خداوند برای کسانی که با اختیار خود، راه حق یا باطل را برگزینند، امکانات و لوازم رسیدن به خواسته‌هایشان را فراهم می‌کند.

اشتباهات متداول

شاید در نگاه اول به آیه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ» به دنبال گزینه‌ای بودید که به سنت تأثیر اعمال انسان در زندگی او اشاره دارد. اما این آیه به سنت توفیق الهی نیز اشاره دارد؛ زیرا خداوند در این آیه گشودن درهای برکت را معلول و ثمره ایمان و تقوا می‌داند.

۲۳۴۴ براساس تقدیر الهی، جهان خلقت دارای قانون‌مندی است و پدیده‌های جهان در دایره قوانین خاصی حرکت می‌کنند و مسیر تکاملی را می‌پیمایند یا بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. این قوانین، اختصاص به پدیده‌های طبیعی ندارد و قرآن کریم از این قوانین با عنوان **سنت الهی** یاد کرده است. **۲۳۴۵** سنت ابتلاء **عام‌ترین و فراگیرترین** قانون خداوند است که ثابت و همیشگی بوده و شامل همه انسان‌ها در همه دوران‌ها می‌شود. این سنت الهی که توسط خداوند علیم بر زندگی افراد جاری شده برای آگاه شدن از درون افراد نیست، بلکه برای رشد دادن و به ظهور رساندن استعدادها و نشان دادن تمایلات درونی افراد است.

۲۳۴۶ اگر انسان ادعای ایمان و بندگی کند، وارد امتحان‌ها و آزمایش‌های خاص الهی می‌شود «أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ». آیه شریفه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»، شرط باز شدن درهای برکت آسمان و زمین راه ایمان و تقوای مردم معرفی می‌کند. **۲۳۴۷** سنت الهی «املاء و استدراج» به معنای «مهلت دادن و حرکت تدریجی به سوی عذاب الهی» است. مطابق این سنت، خداوند به گناهکاران فرصت زندگی و جبران اشتباهات می‌دهد، اما آن‌ها، این فرصت را، وسیله غوطه‌ور شدن بیشتر در تاریکی‌ها قرار می‌دهند.

۲۳۴۸ رشد و کمال انسان و یا عقب‌ماندگی و خسران او، در سنت ابتلاء که آیه شریفه «أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» به آن اشاره دارد، مطرح می‌شود. ایجاد زمینه مناسب برای رشد و تعالی، از جلوه‌های توفیق الهی است و آیه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» به آن اشاره دارد.

۲۳۴۹ آیه‌ای که حضرت زینب در خطبه‌اش خطاب به یزید آن را خواند، آیه «آنان که کافر شدند تصور نکنند که اگر به آن‌ها مهلت می‌دهیم به نفع آن‌هاست، فقط به این خاطر به آنان مهلت می‌دهیم تا بر گناهان خود بیافزایند؛ برای آنان غذایی خوارکننده خواهد بود» می‌باشد که طبق همین آیه شریفه، آینده یزید، گرفتاری در غذایی خوارکننده است.

۲۳۵۰ امام صادق (ع) انسان مؤمن را از آن جهت که با افزایش درجه ایمان او، امتحانات او سخت‌تر می‌شود به کفه ترازو تشبیه کرده است. این موضوع مربوط به سنت ابتلاء الهی است که از آیه شریفه «أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» برداشت می‌شود.

۲۳۵۱ آیه شریفه «وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ وَ أُمَلِي لَهُمْ إِنْ كِيدِي مَتِينٍ» در قسمت اول به این موضوع اشاره دارد که گرفتار شدن گناهکاران به استدراج از راهی صورت می‌پذیرد که آن‌ها متوجه‌اش نمی‌شوند و به قول معروف چوب خدا صدا ندارد «مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ»؛ همچنین عبارت شریفه «يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتَهُ عَذَابُهُ» به سنت سبقت رحمت بر غضب خداوند اشاره دارد و پیامی برای آیه شریفه «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَ...» است.

۲۳۵۲ آیه شریفه به کار رفته در صورت سؤال، ترجمه آیات ۱۵ و ۱۶ سورة هود است که بیانگر سنت امداد الهی در رابطه با گناهکاران است. از جمله ثمرات این سنت، آن است که فرد در همان مسیری که انتخاب کرده به پیش می‌رود.

۲۳۵۳ آیه شریفه مورد اشاره در صورت سؤال، به سنت ابتلاء الهی اشاره دارد. این سنت (ابتلاء) برای تمام انسان‌ها و همه دوران‌ها است.

۲۳۵۴ توفیق در لغت به معنای آسان کردن و در مفهوم دینی نیز به معنای آسان کردن مسیر رسیدن به مقصود برای انسان مؤمن و تلاشگر است. خداوند سنت امداد الهی را بر این قرار داده که هر کس چه در راه حق و چه در راه باطل، بتواند از امکانات الهی استفاده کرده، در مسیر خود به پیش رود.

۲۳۵۵ توجه کنید که امتحان خداوند علیم برای آگاه شدن از درون افراد نیست، بلکه برای رشد دادن و بروز و ظهور استعدادها و نشان دادن تمایلات درونی افراد است و فرد در آن درستی یا نادرستی آن‌چه را که ادعا کرده مشخص می‌سازد.

۲۳۵۶ مطابق متن کتاب درسی داریم: «قانون‌مندی و نظام حاکم بر جهان خلقت، تجلی تقدیر الهی و زمینه‌ساز حرکت و پویایی انسان و به‌کارگیری اراده و اختیار اوست». این قوانین، به پدیده‌های طبیعی اختصاص ندارد و در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها نیز برقرار است.

۲۳۵۷ شناخت قوانین حاکم بر زندگی انسان‌ها موجب: **۱** نگرش صحیح ما نسبت به تلخی‌ها و شیرینی‌ها و سایر حوادث زندگی می‌شود. (گزینه ۳)

۲ دیدگاه ما را نسبت به وقایع و حوادث جهان از دیگران ممتاز می‌سازد. (گزینه ۱)

۳ این شناخت در روابط ما با خدا، با خود، با خلقت و با دیگران تأثیر به‌سزایی دارد. (گزینه ۲)

بنابراین گزینه (۴) صحیح است.

۲۳۵۸ اگر بگوییم: «خداوند امکانات و لوازم رسیدن به خواسته‌ها و هدف‌ها را فراهم می‌کند.» و اگر بگوییم: «بر امکانات گمراهان می‌افزاید»، به ترتیب به سنت‌های «امداد الهی» و «املاء و استدراج الهی» اشاره کرده‌ایم که دومین آن همراه با مهلت دادن است.

۲۳۵۹ مطابق با آیه ۱۶۰ سورة انعام «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَ...» خداوند با بدکاران براساس عدل خود رفتار می‌کند و به آنان ستم نمی‌شود «وَهُمْ لَا يظَلَمُونَ»؛ چرا که این افراد تنها به اندازه عمل بدشان کیفر می‌شوند «فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا». همچنین در مورد عبارت دوم داریم: «مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا؛ و عطای پروردگارت از کسی منع شده نیست» که این موضوع، علت فراگیر بودن امداد الهی را بیان می‌کند.

۲۳۶۰ آیه «كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءِ وَ هُوْلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا»، لطف خداوند را علت امداد رسانی به همه بندگان معرفی می‌کند و این لطف را همیشگی و منع نشده می‌داند.



بررسی سایر گزینه‌ها

۲) لطفی که در این گزینه مطرح شده، لطف هدایت است که به صورت مشروط مطرح شده است. در واقع رسیدن به راه‌های هدایت مشروط به تلاش و مجاهدت فرد است.

۳) در این آیه دریافت برکاتی از آسمان‌ها و زمین مشروط به داشتن ایمان و تقوا است.

۴) در این آیه رسیدن به پاداش نیک مشروط به انجام نیکی‌ها توسط خود فرد است. طبق متن کتاب درسی داریم: همین که هر لحظه، دربارهٔ افرادی که با آنان روبه‌رو می‌شویم، قضاوت می‌کنیم خود نوعی امتحان است؛ و اگر خدای ناکرده در فکر و اندیشهٔ خود با سوء ظن با دیگران مواجه شویم در آزمایش شکست خورده‌ایم.

جملهٔ «جای جای زندگی انسان محلی برای امتحان است» جمله‌ای صحیح است. سخن امام صادق (ع) به سنت ابتلاء الهی اشاره دارد. مطابق این سنت، همهٔ انسان‌ها در همهٔ دوران‌ها آزمایش می‌شوند و اگر کسی وارد وادی ایمان شود، بر سختی امتحانات او افزوده می‌شود. آیهٔ شریفه «أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يَبْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» بر این موضوع تأکید می‌ورزد.

۲) امداد خاص خدای متعال برای آنان که با نیت پاک قدم در راه حق می‌گذارند، توفیق نامیده می‌شود. یکی از نموده‌های این امداد، نصرت و هدایت الهی است که از آیهٔ شریفه «وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» قابل برداشت است.

۱) مطابق حدیث امام صادق (ع) که در صورت سؤال آمده و آیهٔ «أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يَبْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ»، ادعای ایمان، ورود به امتحان خاص الهی را به دنبال دارد.

۳) در کسب توفیق الهی (امداد خاص)، عامل درونی نقش تعیین‌کننده دارد. این که «راه بازگشت گناهکار همواره باز است»، مرتبط با سنت سبقت رحمت بر غضب است که این سنت، سنتی عام است.

۴) فراهم‌سازی شرایط و اسباب از جانب خداوند برای حرکت آسان‌تر انسان حق‌جو به سوی مقصد، در نتیجهٔ سنت توفیق الهی، بوده که از جلوه‌های آن نصرت و هدایت الهی می‌باشد و در آیهٔ شریفه «وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» به آن اشاره شده است.

۴) کسانی که مشمول سنت املاء و استدراج قرار می‌گیرند، افرادی هستند که در مسیر گناه و باطل پیش می‌روند و از کار خود راضی و خرسند هستند و همچنین با حق لجاجت و دشمنی می‌ورزند.

خداوند به این افراد فرصت و امکاناتی می‌دهد تا در گناهان غوطه‌ور شوند و روزبه‌روز بار گناهان آنان سنگین‌تر شود.

۱) گرفتاری تدریجی به هلاکت ابدی، موضوع سنت املاء و استدراج است و با آیهٔ شریفه «وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ» مطابقت دارد.

مطابق با سنت ابتلاء، هر شخصی که ادعای ایمان کند، مشمول سنت ابتلاء می‌شود.

۱) ۲۳۶۹ رحمت واسعة الهی، سنت امداد عام الهی را رقم می‌زند که با آیهٔ شریفه «كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءِ وَ هُوْلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا» مرتبط است.

۳) ۲۳۷۰ عام‌ترین سنت خداوند، سنت ابتلاء و سنت منتهی به هلاکت ابدی، سنت املاء و استدراج است. بنابراین، آیات شریفه «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبْلُوَكُمْ بِالْشَّرِّ وَ الْخَيْرِ» و «وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ» به ترتیب پاسخ سؤال هستند.

۳) ۲۳۷۱ اگر کسی با نیت پاک در مسیر حق سعی و تلاش و حرکت کند، از امداد خاص (توفیق) الهی بهره‌مند می‌شود. همچنین اگر کسی اعلام ایمان به خداوند کند، در معرض امتحانات خاص و دشوارتر الهی قرار می‌گیرد که با سنت ابتلاء مرتبط است.

۲) آیهٔ شریفهٔ صورت سؤال که ترجمهٔ آن به صورت «اگر مردم شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه می‌کردند، همانا برایشان می‌گشودیم برکاتی از آسمان و زمین ولی تکذیب کردند، پس آنان را گرفتار ساختیم به کیفر آن چه به دست آوردند.» است، به دو سنت الهی تأثیر اعمال انسان در زندگی او و توفیق الهی اشاره دارد.

۳) ۲۳۷۲ حدیث مطرح‌شده در صورت سؤال، بیانگر مفهوم «تأثیر بدی در زندگی» است که با آیهٔ شریفه «وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» ارتباط معنایی دارد.

۳) ۲۳۷۴ «إِنْ كِيدِي مَتِينٌ» ← املاء و استدراج [درستی هر ۴ گزینه] «وَهُمْ لَا يَظْلَمُونَ» ← سبقت رحمت بر غضب «فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» ← تأثیر بدی در زندگی انسان

۴) ۲۳۷۵ این جمله از خاطره‌ای است که کتاب درسی در رابطه با شهید ابراهیم هادی بیان نموده است و بیانگر آن است که انسان مؤمن هر لحظه از عمر خود را نوعی آزمایش الهی تلقی می‌کند و همواره تلاش دارد تا در آن سربلند و پیروز باشد.

۲) ۲۳۷۶ حرکت تدریجی به سوی عذاب الهی از دقت در آیهٔ «وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ» مستفاد می‌گردد که بیانگر سنت املاء و استدراج است. همچنین اگر بگوییم: برطرف کردن اندوه و غصهٔ دیگران زندگی را بهبود می‌بخشد، به سنت تأثیر اعمال انسان در زندگی او اشاره کرده‌ایم.

۲) ۲۳۷۷ حضرت زینب (س) در انتهای خطبهٔ خود خطاب به یزید در شام فرمودند: «مگر سخن خدای را فراموش کرده‌ای که فرمود آنان که کافر شدند تصور نکنند که اگر به آنان مهلت می‌دهیم...» بنابراین از مصادیق این افراد، یزید است.

۴) ۲۳۷۸ امام علی (ع) می‌فرمایند: «چه بسا احسان پیاپی خدا، کسی را گرفتار کند و پرده‌پوشی خدا او را مغرور سازد و با ستایش مردم فریب خورد و خدا هیچ‌کس را مانند کسی که به او مهلت داده، امتحان و آزمایش نکرده است.» مطابق این حدیث، از بزرگ‌ترین امتحان‌های الهی استفاده از